

درس چهارم: تصمیم خوب و تصمیم بد

از طلاب فراگیر انتظار می رود در پایان مطالعه این درس بتوانند:

- تحلیلی در مورد پشیمانی از تصمیم خود ارائه کنند.
- نتایج تصمیم گیری را تحلیل و درستی یا نادرستی آن را در لحظه تصمیم گیری ارزیابی کنند.
- عوامل اتخاذ تصمیم را از شانس و بدشانسی تفکیک کنند.

در درس گذشته توضیح دادیم که **تصمیم گیری درست، الزاماً به نتیجه مطلوب منتهی نمی شود.**

بگذارید حرفمان را به شکل دیگری مطرح کنیم:

فرض کنید می پذیریم که تصمیم گیری درست، الزاماً به نتیجه مطلوب منتهی نمی شود. از چنین گزاره‌ای چه نتیجه‌ای می شود گرفت؟ پذیرفتن این حرف، از امروز چه تأثیری در انتخاب‌ها و قضاوت‌ها و تصمیم‌های ما خواهد داشت؟

بسیاری از نویسندگان کتاب های تصمیم گیری نیز به این نکته اشاره کرده اند و در ادامه نوشته اند:

اگر درباره‌ی گذشته‌ی افراد صرفاً بر اساس نتیجه‌ی تعداد محدودی **تصمیم‌های بزرگ ایشان** قضاوت کنید؛ و به سراغ تصمیم‌های کوچک فراوانی که در گذشته گرفته‌اند نروید، به نوعی روی **خروجی متمرکز شده‌اید و نه فرایند.**

این کار باعث می شود به واسطه‌ی **شانس و بخت آن‌ها در گذشته** به ایشان پاداش داده یا احتمالاً آن‌ها را به خاطر **بدشانسی‌هایشان** تنبیه و مجازات کنید.

شما چگونه فکر می کنید؟

آیا شما هم دخالت شانس و بخت در تشویق و تنبیه در مورد تصمیمات دیگران را درست می دانید؟

تجربه‌هایی دارید که این نتیجه‌گیری را تأیید کند؟ یا این که تجربه‌تان آن را چندان تأیید نمی کند؟

خودتان در مرور تصمیم‌های گذشته افراد، چگونه قضاوت می کنید که در تصمیم‌گیری قوی هستند یا ضعیف؟

در مورد خودتان چطور؟ آیا فقط به تصمیم‌های بزرگ خود فکر می کنید؟ یا تصمیم‌های کوچک خود را نیز هنگام **ارزیابی خودتان** در نظر می گیرید؟

پشیمانی در تصمیم گیری: کارآفرینی انتخاب من نبود



او می‌توانست امروز، با حدود ۶۰ میلیارد دلار ثروت، جزو فهرست ثروتمندترین مردان جهان باشد. شاید هم یک مدیر عالی رتبه در اپل. البته ممکن بود تمام سرمایه‌ی زندگی خودش را هم از دست بدهد.

وقتی داشتن همه چیز، این احتمال را دارد که داشته‌های فعلی را هم به صورت کامل از دست بدهیم، تصمیم‌گیری چندان ساده نیست. موضوع صحبت ما، [رونالد واین](#) است. او سومین نفر از تیم سه نفره‌ی بنیان‌گذاران اپل است. البته نامش قطعاً کمتر از استیو جابز و ووزنیاک شنیده می‌شود. رونالد واین، با استیو جابز در شرکت آتاری کار کرده بود و قبل از تاسیس اپل، او را می‌شناخت.



رونالد، بیست و یک سال از استیو جابز بزرگ‌تر بود. حضور او در کنار دو نفر دیگر، به آنها اعتبار می‌داد.

او همچنین هنر و تکنولوژی و حسابداری را می‌شناخت. نخستین لوگوی اپل را ترسیم کرد.

تفاهم‌نامه‌ی مشارکت سه نفری را نوشت. نخستین دفترچه راهنمای Apple I را تنظیم کرد.

و تنها دو هفته بعد از امضای رسمی شرکتنامه، سهم ده درصدی خود در اپل را واگذار کرد.

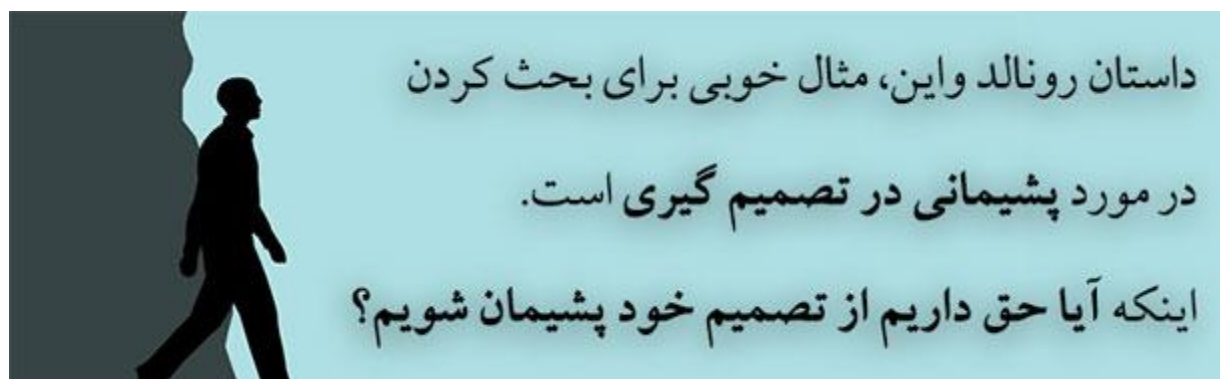
رونالد واین، سهم ۱۰ درصدی خود را در اپل، ۸۰۰ دلار فروخت. طی سالهای اخیر، رونالد واین، بارها با رسانه‌ها و نشریات، در مورد آن تصمیم صحبت کرده است. این مسئله از سر اجبار نبود است

رونالد واین، امروز زندگی آرامی دارد و از تصمیمش پشیمان نیست. او می‌گوید که درستی هر تصمیم را باید با اطلاعاتی که در آن لحظه موجود بوده بسنجیم.

رونالد واین می‌گوید که در آن زمان، اپل هنوز هیچ چیز نداشت و تصمیم‌های استیو جابز هم بلندپروازانه بود. استیو جابز زیر بار تعهداتی می‌رفت که اگر عملی نمی‌شد یا شکست می‌خورد، و یا خسارات زیادی به بار می‌آمد.

با توجه به اینکه استیو جابز و استیو ووزنیاک، از مال دنیا هیچ بهره‌ای نبرده بودند، هر گونه نقض تعهدات، عملاً خسارت سنگینی را به رونالد واین وارد می‌کرد. او پول داشت و احتمالاً دارایی‌های او برای جبران خسارت، ضبط می‌شد.

رونالد واین که قبلاً هم تجربه‌ی راه اندازی یک کار و شکست را در زندگی‌اش داشت، قرارداد تاسیس شرکت را بیشتر نوعی شراکت در بدهی‌های احتمالی می‌دید.



اینکه آیا می‌توانیم امروز، بگوییم او یک تصمیم نادرست گرفته است؟

اینکه چه می‌توانیم بکنیم که احتمال پشیمانی ما از تصمیم‌ها کاهش پیدا کند.

داستان رونالد واین، برای شما، در زندگی خودتان و اطرافیان، چه چیزهای دیگری را تداعی می‌کند؟

اندکی تامل:

یکی از تصمیمات بزرگی که گرفته اید و پس از آن پشیمان شده اید را به یاد آورید. لیستی از تصمیمات کوچکی به منجر به تصمیم گیری بزرگتان شده است را تهیه کنید. سپس تامل کنید که آیا می‌توانستید با تصمیمات بهتر تغییری در تصمیم بزرگ خود ایجاد کنید. آیا شرایط در لحظه تصمیم گیری چنین اجازه‌ای به شما می‌داد.